

ع م ع

علی - مُعَلِّم - جَمَع - شُرُوع - عَزِيز - معصومه - عَمُو - عِيد - مَزْرَعَه
دُعا - بَعْد

عَكس - شَمْع - عِلْم - رَعْد و بَرَق
جُمعه - دَعْوَت - عَرُوس - شَاعِر - عَادَت - عَدَد - عَمَّه - عَلَف - جَعْفَر
سَعِيد - مَسْعُود - كَعْبَه - دَفْعَه - عَيْنَك - عَدَس - عَسَل - عالی - عَجِيب
جَعْبَه - رَكَعَت - عَاقِل - عَابِر - مَعْرُوف - عَقْرَب - دِفَاع - سَعْدِي
عَرُوسَك - عَلَامَت - عَلَاقَه - تَاسُوعَا - عَاشُورَا - مُرَبَّع - زَعْفِرَان - عَصْرَانَه
عَجَلَه - عَقْرَبَه - مَعْمُولِي - عِبَادَت - تَعْمِيرْگَاه

ما هر کاری را با نام خُدا شروع می کنیم.
ما بعد از درس، وسایلی خود را جمع می کنیم.
ما عید نوروز را جشن می گیریم.
علی وسایلی خود را جمع می کند.
کشاورزان در مزرعه گندم می کارند.
عموی علی کشاورز است.
مادرم بعد از نماز دُعا می خواند.
علی و جعفر برادرند.

ما تاسوعا و عاشورا نذری می دهیم.
بعد از رعد و برق ، باران بارید.
سعدی شاعرِ بزرگِ ایران است.
نمازِ جمعه دو رکعت است.
زعفرانِ ایران در دنیا معروف است.
ساعت ، دو عقربه دارد.
مسعود عجله داشت.
پدر شمع را روشن کرد.
سارا عینکِ آفتابی دارد.
عابر پیاده از خیابان رد شد.
پلیس به او علامت داد.
این آش عَدَس ندارد.
عکس های مهمانی را دیدم.
نماز عبادت است.